

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۲۹ اگست ۲۰۲۱

حمید انوری

به خاطر میخی، نعلی افتاد

به خاطر میخی، نعلی افتاد

به خاطر نعلی، اسپه افتاد

به خاطر اسپه، سواری افتاد

به خاطر سواری، جنگی شکست خورد

به خاطر شکستی، مملکتی نابود شد

و همه این ها به خاطر کسی بود که میخ را خوب نکوبیده بود

این ضرب المثل مشهور چینائی و یا هم جاپانی، هزار ناگفته را، یکبار گفته است و بگفته زنده یاد اقبال لاهوری:

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان

هزار باده ناخورده در رگ تاک است

با این ضرب المثل نغز و با این شعر پر مغز، تلاش میکنم مغز پوچ چهار بی مغز رسوا، یعنی چهار، چهارکلاه بی مغز خلقی- پرچمی و دنباله روان گنده مغز شانرا، روی طبق بگذارم و ببینیم که در طبق، ملی پوده بیرون می شود، یا هم کدوی گندیده.

اینها که سخت در تلاش اند تا خود را دایه مهربانتر از مادر نشان دهند، اینها که چپ و راست برای این ملت درد و داغ دیده و غرقه در خون، نسخه شفا می نویسند، اینها که در هر دور و زمانه شکل و چهره عوض میکنند، اینها که ماهیت سیال دارند و در هر ظرفی که بریزی، شکل همان ظرف را اختیار میکنند، اینها که گاهی انقلابی می شوند و گاهی مجاهد، گاهی دیموکرات می شوند و گاهی طالب، آنقدر بی شرم و بی حیا و دیده در اند که تاریخ افغانستان نظیر اش را به خود ندیده است، اینها گویا از مادر خطا زائیده شده اند و نطفه شان جاسوس و جنایتکار و وطن فروش و خائن بسته

salamwatanam@gmail.com

شده است، اینها نطفه های خبیثه ای هستند که باید از بیخ و بن بریده شده و در مُرداب های متعفن رو سیه دفن گردند.

بگذار صمد از هر باشد، یا میرزاده یا برادران یوسفی، یا احمد و محمود و کلبی و مقصود و یا هم کته و سره شان، یا خورد و ریزه شان، پوست کلفت اینها را مردم افغانستان در چرمگری می شناسند.

اینها فکر نکنند که با یک چپه گرمک یا چپه گرمک دیگر، مردم جنایات این میهن فروشان جنایتکار و خونریز و خائن را فراموش میکنند. **نه!، هرگز نه!!!**

بر میگردیم به همین ضرب المثل فوق و نتیجه میگیریم که "به خاطر میخی، نعلی افتاد" و... و در کشور برباد داده شده ما، این همان خلقی ها و پرچمی های خونریز، جنایت گستر، جاسوس، میهن فروش و خائن و پست و پلید بودند که با کودتای ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷، اولین میخ را سخت کج و کور کوبیدند، میخی که زنگ زده و از واردات رو سیه شوروی بود و اساس آن کج و کور و معیوب گذاشته شده بود و بخاطر همان میخ کج کودتای شوم هفتم ثور بود و است که، مملکتی نابود شد و تا امروز به خاک و خون می غلتد، بر باد داده می شود و پامال قوای نظامی تا دندان مسلح هفتاد و دو کشور جهان میگردد و...

اینهمه ظلم و تجاوز و کشتار و شقاوت و خونریزی و بربادی و جنگ و انفجار و انتحار و ملا بازی و طالب پروری و دموکرات نمایشی و قهرمان سازی و قهرمان پرستی و جنرال و مارشال سازی و چور و غارت و...، فقط و فقط از سبب آن است که کودتای منحوسی را خلقی ها و پرچمی های شرف باخته که صمد از هر ها و نبی عظیمی ها و تَرَک و ببرک و ناامین و نا نجیب و حسنک شرق و چند رسوای دیگر در کشور آزاده ما براه اندختند و کشوری را به خاک و خون کشانیدند که این نامردی و نامردمی ها را آن تخم های حرام اساس گذاشتند و تا امروز خون افغان همچنان جاریست. بگذار صمد از هر ها و امثال شان هفته و چهارشنبه مقاله و مضمون و تحلیل بنویسند، بگذار کتاب و جزوه و دفتر اشعار بنویسند، بگذار چتل نامه های شانرا اینجا و آنجا منتشر کنند، بگذار تلویزیونهای انترنتی به راه اندازند و چهار بی کار و بی روزگار را دور خود جمع کنند و...، ماهیت سیه، کثیف و متعفن اینها را همه مردم افغانستان با خون و گوشت و پوست و استخوان خود تجربه کرده اند.

این طبقه اوباش و پست و پلید، آن زمان ها که فکر میکردند و به آنها از طریق رو سیه تزریق شده بود که "انقلاب ثور" برگشت ناپذیر است و خر لنگ شانرا چهارنعل در جهت منافع رو سیه می

دواندند و از کشته های هموطنان شریف ما پشته ها ساخته بودند و...، آن زمان ها نه از قانون سخن میگفتند، نه از حقوق بشر و نه از صلح و همزیستی و نه از آزادی و آزده گی، نه از عدالت چیزی در مخیله شان بود و...، و چنان مست ودکای اهدائی روسی بودند که هرگز در فکر آن نبودند که از پی امروز، بود فردائی...

بعد از فرار ننگین عساکر متجاوز روسی از افغانستان و بعد از فروپاشی و اضمحلال رژیم کودتا، به یکبارگی شدند حقوق دان و نویسنده و شاعر و کارشناس و تحلیل گر و چند چیز دیگر. مقاله نویسی های پرله پسی و هفته و چهارشنبه با نام های اصلی و نام های مستعار و بعضاً سه تا چهار و پنج نام مستعار مختلف، صفحات سایت های اینترنتی را اشغال کردند، انجمن حقوق دانان در اروپا ساختند و چپ و راست داد از وطن و میهن و مردم زدند و...، غافل از اینکه مردم افغانستان، چه در داخل و چه در خارج از کشور این جمع بی آرم را از سیر تا پودینه و از سره تا خشره، خوب و بسیار هم خوب می شناسند و از همه شان سخت متنفر اند. یکی از این بی آرم تاریخ هم همین فرد فرومایه، شکنجه گر قهار، توطئه گر بی بدیل، خونریز کودتاجی و...، صمد ازهر است که ننگ و نفرین بر او باد. این فرد فرومایه مضمونی تحت عنوان "جنگ یا صلح" در سایت افغان-جرمن آنلین نوشته است و هموطنی به نام "کاکر از هالند"، از آنها چنین سوالی را مطرح کرده است:

[دوستان گرامی!]

نخست نمی دانم که پورتال افغان جرمن آنلین روی کدام دلیل مقاله آقای عبدالصمد ازهر را که دست ایشان به خون مردم ستمدیده ما آغشته است نشر می نماید؟؟؟

آقای ازهر از صلح صحبت می نماید در حالیکه باعث این همه خون ریزی ها و بدبختی افغانها باند های خلق و پرچم که ایشان از جمله افراد مهم آن دار و دسته بودند گردیدند.

آیا قتل اسرار (آمیز) مرگ میوندوال را فراموش کردید؟

به یقین که مسئولین سایت جواب قناعت بخشی در مورد ارائه کرده نمی توانند.

و اما حرف و سخن آخر اینکه بگذار صمد ازهر ها از هر کنج و کنار قوله سر دهند، در ماهیت پست و پلید شان هیچ تغییری وارد نمی تواند کرد. بگفته سعدی شیرازی:

سگ به دریای هفتگانه بشوی

که چو تر شد پلیدتر باشد

خر عیسی گرش به مکه برند

چون بیاید هنوز خر باشد